

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

بررسی روایت و شاء

صاحب جواهر می‌گوید: «حکى عن صاحب العصر»، دیروز یک وجه تسمیه‌ای ذکر کردیم، به الذریعه که مراجعه می‌شود در جلد 15 صفحه 271 می‌گوید: «العصره» که ظاهراً به فتح باید باشد «فی المواسعه فی قضاء الصلوات للشیخ منتجب الدین علی بن عبدالله بن حسکا» که متوفای 585 در قم است و این کتاب هم ایشان نوشته در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی است، می‌گوید صاحب جواهر در همین بحث مواسعه می‌گوید: «سماه بالعصره لأنه کتبه رداً علی بعض من عاصره»؛ چون رد بر بعضی از معاصرین خودش نوشته، «و لعله ابن ادریس»؛ شاید از معاصرینش هم ابن ادریس باشد. [1]

بالآخره اگر هم در سند ارسال باشد این روایت شهرت مسلمه عملیه بر طبق این روایت وجود دارد و روی این مبنا که ما قبول داریم که شهرت جابر ضعف سند است سندش تصحیح می‌شود و روایت مصححه می‌شود.

بررسی متن روایت

و بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوُشَّاءِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ تَفُوتُ الرَّجُلَ الْأُولَى وَالْعَصْرُ وَالْمَغْرِبُ وَذَكَرَهَا عِنْدَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ قَالَ يَبْدَأُ بِالْوَقْتِ الَّذِي هُوَ فِيهِ فَإِنَّهُ لَا يَأْمَنُ الْمَوْتَ فَيَكُونُ قَدْ تَرَكَ صَلَاةَ فَرِيضَةٍ فِي وَقْتٍ قَدْ دَخَلَتْ ثُمَّ يَقْضِي مَا فَاتَهُ الْأُولَى فَأَلْأُولَى. [2]

عمده مضمون روایت است، جمیل بن دراج از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «قلت له، يفوت الرجل الاولى»؛ «اولی» به همان نماز ظهر می‌گویند، در بعضی از کتابها هم تصریح شده، «يفوت الرجل الاولى والعصر والغيب»؛ سه نمازش فوت شده «و ذکرها عند العشاء الآخرة»، در بعضی از نسخه‌ها دارد «ذکرها بعد العشاء الآخرة»؛ یعنی آن نسخه‌ای که در کتاب محقق هست همین عند العشاء الآخرة است، آن نسخه‌ای که در وسائل الشیعه آمده که روایت را نقل می‌کند بعد العشاء الآخرة است، این در معنا اثر دارد.

پس شخصی سه نماز از او فوت شده «و ذکرها عند العشاء الآخرة» یا «ذکرها بعد العشاء الآخرة»، امام علیه السلام می‌فرماید: «يبدأ بالوقت الذي هو فيه»؛ اول آن وقتی که شخص در آن قرار گرفته نماز همان وقت را بخواند. بعد تعلیل می‌آورد، «فإنه لا يأمن الموت»؛ ممکن است در همین وقت هم بمیرد «فيكون قد ترك صلاة فريضة في وقت قد دخلت»؛ عمداً یک نماز و فريضه‌ای که وقتش داخل شده ترک کرده است.

بنابراین امام علیه السلام می‌فرماید: «اول يبدأ بالوقت الذي هو فيه»؛ آن وقتی که در آن هست نمازش می‌شود نماز حاضر، «ثم يقضى ما فاتته الاولى فالاولى»؛ بعد آن نمازی که از او فوت شده «الاولى فالاولى»؛ یعنی اول ظهر بعد عصر و بعد نماز سوم که

مغرب است. شاهد استدلال فقط همین ذیل است: «یقضی ما فاته الاولى فالاولی» یا در بعضی از نسخه‌ها دارد «الاول فالاول» فرقی نمی‌کند، این ذیل مدعای قائلین به وجوب ترتیب را اثبات می‌کند.

یک بحثی که واقع شده این است که این «بالوقت الذی هو فیه» مراد وقت نماز عشاء است یا وقت نماز مغرب؟ چه چیزی اینجا اراده شده؟ مرحوم خوئی می‌فرماید: اگر روی نسخه وسائل جلو بیائیم که دارد «ذکرها بعد العشاء الآخرة»، کلمه «بعد» باشد، نتیجه این می‌شود که این «یبدأ بالوقت الذی هو فیه» می‌شود صلاة مغرب، ایشان می‌گویند بعد العشاء، بعد می‌گوید: «یبدأ» به آن وقتی که در آن هست که مربوط به نماز مغرب است؛ چون وقت نماز مغرب و عشاء مشترک است، نماز عشاء را خوانده تمام شده و بعد یادش می‌آید که نماز مغربش قضا شده یا انجام نداده است.

لذا اگر بگوئیم «ذکرها بعد العشاء الآخرة»؛ یعنی نماز عشاء را خوانده و مغرب را نخوانده، «یبدأ بالوقت الذی»؛ یعنی همان وقت نماز مغرب، پس آن هم وقتش ادایی است و مغرب را نخوانده و عشاء را خوانده یادش آمد که ظهر و عصر را نخوانده و مغرب را هم نخوانده، امام علیه‌السلام می‌فرماید: اول مغرب را بخواند و بعد می‌فرماید اشکالش این می‌شود که اگر ما نسخه بعد را گرفتیم و این وقت شد وقت نماز مغرب، فائت دو تا نماز می‌شود یک نماز ظهر و یک نماز عصر، الاولى فالاولی معنا ندارد!

دیدگاه محقق خویی

ایشان می‌فرماید: «الاولی فالاولی» یا «الاول فالاول» جایی است که لااقل سه تا مطرح باشد، اما جایی که دو چیز مطرح است الاول فالاول ندارد، به بیانی که ما عرض می‌کنیم فالاول جایی است که خود فالاول سایی داشته باشد، جایی که فقط دو چیز است روی این بیان که اگر گفتیم بعد العشاء است؛ یعنی نماز عشاء را خوانده، سه تا نماز نخوانده و طبعاً وقتی که موجود است وقت نماز مغرب است، پس فائت در وقت می‌شود ظهرین، گویا می‌خواهند بگویند بین المتأخرین و المتقدمین در اینکه در آنچه که در ادعایش ترتیب معتبر است در قضایش هم ترتیب معتبر است اختلافی نیست.

اما می‌فرمایند همین اشکال که «الاولی فالاولی» معنا ندارد سبب می‌شود بگوئیم نسخه صاحب وسائل غلط است و آن نسخه صحیح «عند العشاء الآخرة» است؛ یعنی «ذکرها عند العشاء الآخرة». اگر اینطور شد نتیجه این می‌شود که «یبدأ بالوقت»؛ یعنی همین وقت نماز عشاء، در نتیجه فائت می‌شود سه تا صلاة، ظهرین و مغرب، «الاولی فالاولی» هم درست می‌شود.

بنابراین بحث در این است که اگر این نسخه را گرفتیم که «عند العشاء الآخرة»، بعد می‌گوئیم «یبدأ بالوقت» وقت را هم عشاء گرفتیم، این یک اشکال بزرگتری دارد و آن این است که لازم می‌آید تقدیم نماز عشاء بر نماز مغرب اختیاراً فی وسعة الوقت، هنوز وقت هم موجود است. یک زمانی هست که می‌گوئیم چهار رکعت به آخر وقت مانده و برای مغرب وقت نیست که فقط باید نماز عشاء را بخواند چون مانعی ندارد و ضیق الوقت است.

اما اگر آمديم «یبدأ بالوقت» را به وقت عشاء معنا کردیم و طبق مبنای خود امامیه یعنی کثیری از امامیه که می‌گویند وقت العشائین مشترک است تا اذان صبح به این معناست که امام می‌فرماید: «یبدأ بالعشاء قبل المغرب اختیاراً فی سعة الوقت»، در حالی که خود قائل به ترتیب هم چنین حرفی را نمی‌زند و ملتزم به چنین معنایی نیست. عجیب این است که مرحوم خوئی به این اشکال اشاره‌ای نفرمودند که شما اگر یبدأ بالوقت را به عشاء معنا کردید فرض این است که هنوز نماز مغرب را نخوانده، بگوئیم اول عشاء بخواند و بعد مغرب، این اختیاراً با مبنای امامیه سازگاری ندارد.

اشکالات محقق خویی بر استدلال به روایت

محقق خوئی وقتی این احتمال دوم را می‌دهند که نسخه صحیح نسخه معتبر است که عند العشاء الآخرة است، می‌فرمایند «مع ذلك كله فالاستدلال بالرواية غير تام»؛ زیرا اولاً، اشکال سندی بر روایت وارد است. ثانیاً، «فلأنها إنما تنطبق على مذهب العامة وبعض القدماء من أصحابنا من القول لتضييق وقت المغرب و انتهاء بغيبوبة الشفق التي هي مبدأ صلاة العشاء»؛ اگر گفتیم وقت نماز مغرب همان غیبوبه الشفق است در ناحیه مشرق و شفق تا مادامی که هنوز باقی است وقت نماز مغرب است، زمانی که غیبوبه الشفق شد وقت نماز عشاء شروع می‌شود، روی این مطلب این روایت درست است.[3]

مرحوم همدانی نیز در مصباح الفقيه می‌فرماید: این روایت تقیه‌ای است، علت اینکه امام تصریح نمی‌کند «يبدأ بالوقت الذي هو فيه»، می‌فرماید: «فلا يبعد أن يكون العدول عن تسمية الفريضة الحاضرة»؛ چرا کلمه مغرب را نیاورده امام؟ «التي أريد الابتداء بها إلى قوله يبدأ بالوقت لأجل التقية»؛ اگر ما روایت را اینطوری بگوئیم روی مبنای عامه صحیح در می‌آید «و الا لما صحّ توصيف صلاة المغرب بالفائتة عند العشاء، فعند المعروف من مذهب أصحابنا هو امتداد وقتي المغرب و العشاء إلى منتصف الليل بل إلى الفرض كما هو صحيح» که یک اختلافی است.

پس روی مذهب امامیه در هنگام نماز عشاء هنوز وقت نماز مغرب هست و مشترک است، البته روی این فرض که «عند العشاء الآخرة» را بگوئیم در همین وقت عشاء است، بعد بگوئیم وقت عشاء و مغرب هم مشترک است، اما اگر کسی گفت که «عند العشاء الآخرة»؛ یعنی آخرین وقت عشاء که اگر آخرین وقت عشاء باشد روی مذهب امامیه هم نماز مغرب فوت شده و این احتمال در این روایت بعید نیست.

جمع‌بندی بحث

در اینجا سه احتمال وجود دارد:

1. اگر «ذكرها عند العشاء الآخرة» را به چهار رکعت آخر زدیم، «يبدأ بالوقت» می‌شود عشاء، «فإنه لا يأمن الموت» هم تعبیر صحیح می‌شود امام علیه‌السلام می‌فرماید: اول عشاء را بخوان و سه تای دیگر را «الاولى فالاولى»، پس اگر این عند العشاء الآخرة را به قسمت آخر زده، این اشکال محقق خوئی و احتمالی که مرحوم همدانی داده که اینجا مسئله تقیه باشد اصلاً پیش نمی‌آید، روی مبنای امامیه آن چهار رکعت آخر مختص به عشاء است.

2. اگر گفتیم «عند العشاء الآخرة» یعنی وقت نماز مغرب و عشاء، وقتی وقت نماز مغرب و عشاء شد «يبدأ بالوقت» را می‌گوئیم مراد عشاء است، اشکالش این است که لازم می‌آید تقدیم عشاء بر مغرب اختیاراً و این را هم قائل نیستیم.

3. اگر بگوئیم يبدأ بالوقت یعنی وقت مختص عشاء، یعنی وقت مغرب تمام شده و غیبوبت شفق شده و از آن زمان تا نصف شب زمان مختص عشاء می‌شود و این روی مذهب عامه سازگاری دارد، این مقدار هم روی مذهب عامه معنا پیدا می‌کند.

پس برای اینکه اولاً، مسئله تقیه در این روایت مطرح نباشد و ثانیاً، اضطراب در متن هم نداشته باشد، می‌گوئیم «عند العشاء الآخرة» یعنی همان چهار رکعت آخر. الآن کسی هست که چهار رکعت وقت دارد و می‌گوئیم وقت مختص عشاء است. همچنین «من ادرك» شامل اینجا نمی‌شود، کسی که چهار رکعت وقت دارد اختیاراً بگوید من صبر می‌کنم یک رکعت استفاده می‌کنم! محقق خوئی می‌گوید از این انصراف می‌دهد.

به هر حال، در روایت «ذكرها عند العشاء الآخرة» را:

1. اگر همان چهار رکعت آخر بگیریم، یا همان دو رکعت آخر یا یک رکعت آخر، که برای مغرب وقتی نیست، «یبدأ بالوقت» می‌شود وقت عشاء، «لا یأمن الموت» هم همین جا درست در می‌آید، پس همین مقدار را استفاده کند نماز حاضر را بخواند این یک احتمال. روایت تقیه هم نمی‌شود، اضطرابی هم در متن ندارد، و «یقضی ما فاتته الاولى فالاولی» هم درست در می‌آید.

2. احتمال دوم «عند العشاء الآخرة»؛ یعنی وقت مشترک بین المغرب و العشاء است، «یبدأ بالوقت» باز باید به عشاء معنا کند؛ چون فرض سائل این است که «یفوت المغرب»، بگوئیم امام اختیاراً می‌فرماید عشاء را بر مغرب مقدم کند و این با مبانی امامیه سازگاری ندارد، با مبانی غیر امامیه هم سازگاری ندارد که اختیاراً کسی عشاء را بر مغرب مقدم کند.

اشکال صاحب مدارک العروه

یکی از اشکالاتی که در کتاب مدارک العروه آمده این است که «إن اطلاقه یقتضی وجوب تقدیم العشاء علی المغرب ولو فی سعة الوقت بقرينة قوله عليه السلام قد ترک صلاة فريضة فی وقت دخلت فيه و هو خلاف الاجماع»، روی فرض این است که ما این «عند العشاء الآخرة» را وقت مشترک بگیریم، «یبدأ بالوقت» هم به معنای عشاء بیان کنیم. ظاهر روایت «عند العشاء الآخرة» یعنی وقتی که مختص عشاء است هر چه می‌خواهد باشد، امام می‌فرماید «یبدأ بالعشاء» و بعد هم آن سه تا را قضا کند.[4]

دیدگاه برگزیده

خلاصه مطلب این شد که «عند عشاء الآخرة» را:

أ. به وقت مختص عشاء بگیریم و «یبدأ بالوقت» یعنی عشاء، عبارت خیلی واضح المعنا می‌شود و مشکلی ندارد.

ب. اگر این را وقت مشترک گرفتیم، آن «یبدأ بالوقت» یعنی وقت عشاء معنایش تقدیم العشاء علی المغرب می‌شود.

پ. اگر این «عند العشاء الآخرة» را وقت مختلف عشاء روی مبنای عامه گرفتیم، به این معناست که یبدأ بالعشاء می‌شود که این وقت عشاء است و روایت تقیه‌ای می‌شود.

پس اشکال به مرحوم خوئی این است که روایت را اگر به احتمال اول از این سه احتمال معنا کنیم نه تقیه لازم می‌آید و نه خلاف ضرورت و اجماعی لازم می‌آید و یک معنای خیلی روشنی دارد. به نظرم معنای روایت از حیث معنا اشکالی ندارد. پس ما این روایت را هم سنداً پذیرفتیم و هم دلالاً.

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ الطَّاهِرِينَ

[1] . جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، ج، ص: 35.

[2] . التهذيب 2- 352- 1462؛ وسائل الشيعة؛ ج، ص: 257، ح 10578- 5.

[3] . «و لكنّه مع ذلك كلّه فالاستدلال بالرواية غير تامّ. أمّا أوّلاً: فلأنّها إنّما تنطبق على مذهب العامّة و بعض القدماء من أصحابنا من القول بتضييق وقت المغرب و انتهائه بغيوبة الشفق التي هي مبدأ وقت صلاة العشاء، و إلّا لما صحّ توصيف صلاة المغرب بالفائتة عند العشاء فإنّ المعروف من مذهب أصحابنا هو امتداد وقتي المغرب و العشاء إلى منتصف الليل، بل إلى الفجر كما هو الصحيح و إن كان آنماً في التأخير. و على هذا فلا تكون المغرب حين تذكره و هو عند العشاء فائتة، فكيف يسوغ و الحال هذه

البداة بصلاة العشاء ثمّ الإتيان بصلاة المغرب مع اعتبار الترتيب بينهما؟ و هل هذا إلّا الإخلال بالترتيب عامداً؟ فلا جرم تطرح الرواية لمخالفتها للمذهب. و ثانياً: أنّها ضعيفة السند بالإرسال، و قد ذكرنا آنفاً أنّ المحقّق (قدس سره) بالظنّ القوي يرويها بهذا الإسناد، و على فرض أن يكون لها سند آخر عنده فهو مجهول. فالرواية مرسلّة على كلّ حال، و لا تصلح للاستدلال.» موسوعة الإمام الخوئي؛ ج، ص: 139.

[4] . مدارك العروة (للإشتهااردي)، ج، ص: 252.